

مطالب مشورتی با دوست یا دوستان محترم هم دیار ما گردانندگان تار نمای برقی شغنان (shoghnan)

نیست دردی بخدا سخت تر از کینه وری این نه دردی است که مستلزم دارو باشد
کینه و نفرت اگر رخت ببند ز جهان زندگی خوشتر از آرامش مینو باشد

همتی

دوست یا دوستان نهایت عزیز، برادر یا برادران محترم ! همشهری یا همشهریان قابل
قدر شغنان!

نویسندگان و گردانندگان تار نمای برقی شغنان (shoghnan). که متأسفانه هویت
مسؤل و تعدادی از نویسندگان بعضی مضامین آن در ارتباط شغنان شفاف نیستند. البته
در قسمتی از مضامین آن کلمات و جملات در خورتوجه و قابل مکث به آدرس روشنفکران
شغنان درج گردیده است. به نظر من دور از واقعیت میباشد. وچنان تجلی میکند که
نویسنده میخواهد با این کلمات در ارتباط مشکل خود، در برابر تمام روشنفکران به
تسکین به نشیند. به طور مثال کلمات محدودی را از بعضی جملات شان ذیلاً ارائه
میدارم.:

«همدیاران عزیز و بقول خودتان روشنفکران محترم بیائید با هم یکبار سرگیچ
خورر ابر بالشت مانده و فکر کنیم که

چه خدمتی رابرای مردم خود یعنی شغنانی ها و آن زادگاه خود یعنی شغنان تاکنون نموده
ایم

ماوشماروشنفکران ولی تاریک کاران تا امروز به جزاز بدبختی دیگر چیزی رابرای
پدران، مادران، و برادران و خواهران خود بمیراث نه گذاشتیم

که هنوز هم از برکت ماوشما آنهادر فلاکت بسر میبرند

و تخم نفاق هر روز غنی تر میگردد.

آیا برای من وتو شرم نیست که باز هم از خدمت های ناکرده خود بالای مردم خودمنت کرده ولی گناهی که نموده ایم یادی از آن نمی آوریم وبه گفته پدران ما (گرد به دامن مانیست).

بیانید دیگر آن مردم بیچاره خودرا که بالای ما اعتماد کردند فریب ندهیم

و همه ما بایک صدا از گذشته خویش ندامت کشیده

و خیانت که نموده ایم اعتراف و معذرت طلب شویم

ولی باز هم نه تنهابه خیانت خویش اعتراف نمی کنیم

باز هم با جامه دیگری در چشم مردم می درایم وباعث آزارشان میگردیم ،

ولی باید یقین داشت که به هر رنگی که جامه به پوشیم مردم ما را می شناسند.

من تاکنون تمام چیزهای راکه در سایت ها خوانده ام بجز از خودستائی خویش تن ویاتعریف از یکدیگر چیزی راموفق نشدم بخوانم»

«....مردم ماحق دارندکه از روشنفکر نفرت داشته باشند....»

«....اگر مالست شان را ارائه وخواستار نابودی آنها نمیگردیدیم....»

«....معلمین سازاهی شاگردان خلقی ومعلمین خلقی شاگردان سازاهی ها را ناکام ومخالفت به عمل کرد.....»

«.... (معلوم نشد که اگر سازاهی هابه قدرت میرسیدند با خلقیها چه برخورد میکردند؟)

اما خلقی ها بعد از به قدرت رسیدن، لبه تیز مبارزه را علیه سازاهی ها توجیه نمودن....»

« زیرایقین دارم بافریب های که دیروز آنها را داده ام باز هم امروز ملبس باجامه دیگر قادر به آن خواهم بود احساس پاک آنها را دوباره آلوده ساخته واز آن سودبدست آورم.

آیا این نوشته ها تبلیغات یک اداره یا ارگان استخبارات اند یا چیز دیگر؟

دوست وبرادر نهایت عزیز ومحترم! من در فوق کلمات ونوشته های شما را بدون تزئید ویا تنقیص کدام نقطه یا حرف یا کلمه اقتباس نموده ام. **با حفظ امانت داری و عفت قلم.**

شما در نوشته خود تذکر داده اید که **... رعایت عفت قلم...** کلمه ی بسیار خوب ، پاک و مقدس است ببینیم عفت قلم چیست؟ و کدام مسائل خلاف عفت قلم اند؟

1- تحریر و نوشتن کلمات پوچ ، ناسزا ، خلاف مردانگی ، هرزه ، بیهوده ، بدون اخلاق حسنه و ...

2- تحریر و نوشتن کلمات و جملات و انعکاس دادن آن بنام شخص دیگر و ...

3- افتراه نگاشتن ، تهمت نویسی ، بهتان نگاری ، ترفند و ...

4- تحریف یا تغییر وارد کردن در کلمات و جملات اصلی و تبدیل و تغییر کلام را از وضع و طرز و حالت اصلی و انعکاس آن با تشریح و تزئین آن به شکل تحریف خاص بنام نگارنده ی اصلی و ...

البته مسائل دیگری هم زیاد اند ولی ضرورت نمی بینم که بیشتر تذکر بدهم و هم علاوه باید نمایم که مطالبی که در فوق تذکر رفته اند از لحاظ ادبی و حقوقی و دید علم در بسا موارد مفاهیم دیگری خارج از این موضوع یعنی عفت قلم را هم دارند که اسباب تشویش نگردد.

هم دیار نهایت عزیز ! جملات فوق شما با کلمات حیرت آوری به آدرس تمام روشنفکران شغنان مزین گردیده قبل از همه باید تذکر بدهم که کلمات فوق شما **مغایر عفت قلم** بوده و کدام یک دور از توهین نیست؟ از متعلم گرفته تا محصل و از مامور گرفته تا افسر ، از ژورنالست تا حقوق دان ، از داکتر طب تا انجنیر ، از زبان شناس تا روان شناس ، از پیشوایان تا کارمندان امور دینی و با الاخره معلمین این چراغان و روشنائی بخش شغنان و جامعه یک سان توهین شده اند. و در ذهن هر خواننده ی سوالات ذیل را خلق مینماید.
که:

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **تاریک کاران** اند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **بجز از بد بختی** دیگر چیزی را برای پدران ، مادران ، برادران و خوهران خودبه **میراث نه گذاشته اند** ؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **زندگی فلاکت بار** را برای مردم خود بار آورده اند ؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **تخم نفاق را غنی تر ساخته اند**؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً برای مردم شغنان **خیانت** کرده و خاین اند ؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً در نوشته ها و مطالب تحریری خود **صرفاً خود ستائی** خویش را نموده اند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً در مطالب تحریری خویش که در تار نما های برقی مختلف نشر شده **صرفاً تعریف همدیگر خود** را نموده اند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **لست های هم دیاران خود** را ارائه کرده اند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **خوستار نابودی هم دیاران خود** که 90% با همدیگر ارتباط خونی دارند. شده اند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **طرف نفرت مردم خود قرار** دارند؟

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **دیروز مردم خود را فریب دادند احساس پاک شان را آلوده ساختند؟**

آیا روشنفکران شغنان واقعاً **امروز ملبس باجامه دیگر احساس پاک مردم را دوباره آلوده ساخته و از آن سود بدست می آورند ؟**

آیا **آستادان بزرگوار شغنان** که همه ی تحصیل گردگان شغنان را تربیه نموده اند و اکثریت شان یا خود عضویت همین دوسازمان را داشته یا اولاد های شان به این سازمانها ارتباط داشته اند چنین عمل را همه انجام داده اند ؟ **که شاکردان مخالف را قصداً نا کام نموده اند؟**

دوست نهایت عزیز و دوست داشتنی ! با جرئت تمام تذکر میدهم که روشنفکران شغنان تاریک دل نیستند و از خیانت هم اثری در آنها پیدا نیست. آنها عاملین بد بختی نه بلکه پیام آوران و ایجاد گران صلح و رفاه و صمیمیت برای مردم خود بوده اند و خواهند بود. از برکت همین روشنفکران است که امروز در شغنان مانند سابق نه **دره زدن محتسبین** است و نه اجرای اعمال خود سر یا مبنی بر پالیسی ها بر مردم ما. این روشنفکران بودند که زندگی فلاکت بار مردم تغییر کرد و امروز زندگی بهتر نصیب شان گردیده است. این روشنفکران شغنان بودند که امروز **سرک موتر** وجود دارد ، **برق** تا جائی مورد استفاده قرار میگیرد ، **مکاتب** در همه قریه ها وجود دارد ، **شانزده لیسه و یک دارالمعلمین** در شغنان برای آموزش **دختران و پسران** تأسیس شده است ، کدام ولسوالی دیگر در افغانستان چنین افتخار را دارد ؟ روشنفکران به هیچ وجه مورد **نفرت** مردم خود قرار نداشته و فرزندان **راستین و خدمت گار** مردم بوده اند ، استند و خواهند بود. و مردم آنها را از دل و جان دوست دارند . بدین سان آنها نه در گذشته و نه حال و نه در آینده به **فریب** مردم نه بلکه در **خدمت** مردم شان میباشند. آنچه که شما نگاشته اید آنها کدام **جرمی** را در برابر مردم انجام نداده و **خواستار نا بودی** کسی هم نگردیده اند.

دوست یا دوستان محترم ! بیائید کمی به عقب نه چندان دور بر کردیم به بینیم که وضع چگونه بود و شرایط به کدام منوال قرار داشت نه چندان دور به خاطریکه هنوز اکثریت ما زنده هستیم و حوادث را به چشم سر دیده ایم . چیزیکه نه پنهان است و نه شنیده گی و یا قصه یا روایت بلکه چشم دید همه . آنچه که عملاً همه ی ما با آن سرو کار داشته ایم.

1- از نقطه ی نظر عقیدتی : آیا بیاد نه داریم آن **دره زدن ها** و... **بیداد محتسبین** را. آیا فراموش کرده ایم که شخصیت های خوب و بزرگ شغنان به چه شکل مورد **توهین** و **توبیخ** مشت نا فهم و مغرض قرار می گرفتند، نمونه مثال دو شخصیت بزرگوار شغنان سید فتح علیشاه در زندان جان داد و سید زمان الدین عدیم استخوان سوز شد. ولی امروز آن دیگر اثری نیست.

2 - قبلاً در شغنان اکثریت مطلق ، میتوان قریب به همه گفت ، البته عده یی محدودی مستثنی شمرده شوند . صرفاً دارای یک خانه ، همان یک **خانه یی معلوم به همه** و آنهم در سطوح مختلف بزرگتر و متوسط و خورد (**وژره**) فاقد اتاق اضافی بودند. و با مهمان خودی یا غیر خودی در زیر همان یک سقف می نشستند و... آیا امروز چنین وضع را دیده میتوانی ؟ به نظر من حتی یک فامیل هم به شرایط قبلی وجود نخواهد داشت.

3 - آیا به خاطر نداریم که همیشه از ماه ثور به بعد و به خصوص در برج سرطان الی رسیدن کشت بهاری همه به سادگی و بصورت واضح می شمردند که از روشن شروع الی در مارخت از چند خانه دود بالا می شد (یعنی یک چیزی غذا پوختن) . آیا از 20 خانه و اعظمی 50 خانه تجاوز میکرد؟ آیا امروز خانه یی را در شغنان سراغ داری که به همان منوال باشد؟ مطمئناً جواب منفی است.

4 - آیا به خاطر نداریم که رفت و آمد شغنان الی فیض آباد چه به خاطر آوردن ضروریات زندگی و چه رفت و آمد متعلمین به درس با چه مشکلاتی رو برو بودیم؟ و چه تلفات جانی و مالی را بار می آورد ؟ آیا امروز چنین مشکلات ها وجود دارد ؟ امید است مضمون شاعرپر توان شغنان مذهب شاه ظهوری را در ارتباط اعمار سرک و بخصوص احساس شان در سیمای شغنان مطالعه نمائید.

5 - بعد از ایجاد مکتب رحمت و رفتن شخصیت های قابل قدر شغنان منجمله استاد عبد العزیز خان ، استاد شاه سلیمان خان ، استاد سید بهرام خان ، استاد گلد سته شاه خان و دیگران (بامعذرت از سائر استادانیکه اسمای شان را تذکر نداده ام) به کابل و بعد فراغت شان و آغاز کار شان به صفت معلم چگونگی وضع روشنفکری در شغنان وارد مرحله دیگر میشود . و با فراغت شغنانی ها از دانشگاه های داخل و خارج در سالهای اخیر وضع کاملاً دگرگون میشود و تغییرات خوبی را بار می آورد . از برکت همین روشنفکران و پشتیبانی مردم از این فرزندان شان، شغنان به تغیر شروع کرد و تحول عظیمی را ایجاد نمود. آیا این تغیر و تحول را نا دیده بگیریم؟ باید تذکر دادکه با زیاد شدن تعداد روشنفکران شغنانی و راه یافتن به تحصیلات بالا تر منجمله دارالمعلمین عالی و دانشگاه این تحولات تسریع یافت و اولین مظاهره هم توسط متعلمین مکتب رحمت شغنان در زمان دولت شاهی که محمد ظاهر شاه پادشاه افغانستان بود صورت گرفت . در این مظاهره تعدادی از متعلمین روی مسایل مختلف صحبت نمودند . بخصوص

صحبت نور علی یکتا از متعلمین که از لحاظ جسمی و سن کوچک بود(اکنون انجنیر نور علی) مدت ها ورد زبان ها و مذمه مردم قرار داشت . البته نقش شخصیت خوب استاد بزرگوار که تمام زندگی خود را فدای مردم ورشد جامعه روشنفکری نموده است استاد کرم علیشاه را نباید در این زمینه با دوستان دیگر....و متعلمین آن زمان نا دیده گرفت.

6 - هر گاه به سالهای قبل از 1350 خورشیدی نظر به اندازیم ، به چه تعداد از شغنانی های ما تحصیلات دانشگاهی (پوهنتون) را داشتند یا در جریان تحصیل بودند بدون کدام مشکل به شمارش گرفته میشوند. بعد از علی محمد خان که حالت استثنائی را داشت مرحوم فیض محمد اولین کسی بود که شامل دانشگاه کابل گردید ولی افسوس که مشکلات چندین بعدی جامعه و زندگی ، موصوف را به مریضی مبتلا و مجال آن را برایش نداد که این شخصیت بزرگ با سجایای عالی انسانی خود تا ختم دوره ی تحصیل زنده بماند . ولی سپاس و حرمت بی پایان به آن انسانی که دروازه مرحله ی بعدی علم و دانش را برای ما فرزندان شغنان باز نمود. سلیمان شاه یکی دیگر از روشنفکران با استعداد که شامل دانشگاه کابل گردید ولی با تأسف که بنا بر مشکلات مختلف زندگی و شرایط وقت مجبور شد تا ادامه ی تحصیل را قطع نماید. اشخاص دیگر که عبارتند از محمد نظر حربی پوهنتون ، محمد علی اکادمی پولیس ، امیر بیک جوان فاکولته ساینس ، امیر محمد عطا فاکولته طب ، عبد الکریم نوجو فاکولته زراعت ، گل محمد اسرار فاکولته انجنیری و محمد اسماعیل پاسخ فاکولته ساینس همچنان کرم علیشاه و عبد الکریم امین در حربی پوهنتون البته متعاقباً افضل امان ، قربان علیشاه ، سنجر ضیائی و عبد القدوس وارد پوهنتون ها شدند. و این ها اولین کسانی بودند که سند فراغت دانشگاه را بدست آوردند. ولی امروز آیا میتوانیم به همین سادگی تعداد تحصیل کرده های که دانشگاه را به پایان رسانده اند بشماریم؟ صرفاً تعداد دکترینان طب بالا تر از 50 نفر است مراجعه شود به نوشته یک تن از روشنفکران خوب ما قاضی قوت نیرو در سیمای شغنان. قابل تذکر است که این تغیر از برکت سعی و تلاش فرد فرد روشنفکر شغنان است . و باید صادقانه اعتراف کنیم که قیام انقلابی ثور یا کودتای ثور یا ... خوب آن را بگوییم یا بد در این راستا برای شغنان مؤثر و مفید تمام شده است و تعداد زیادی از شغنانی های ما جهت تحصیلات عالی به خارج کشور هم در همین دوران اعزام گردیدند. و تخصص خود را در رشته های مختلف بدست آورده اند.

7 - در دو دوره ی انتخابات پارلمانی مردم شغنان با علاقه مندی به پای صندوق های رای رفتند و به کاندید مورد نظر خود رای دادند. و ما دیدیم که همه برای همین کاندیدان شغنانی خود رای دادند آیا این نفرت مردم از روشنفکران است ؟ شما خود قضاوت کنید . اینکه چرا کاندیدان شغنان به پارلمان راه نیافتند به همه معلوم است . و شما میتوانید نوشته

یک تن از روشنفکران خوب ما گل نظر فرهاد را در این ارتباط در سیمای شغنان مطالعه نمائید. البته قانون انتخابات و سائر مسایل نیز در زمینه دخیل است. مراجعه شود به مضمون تحت عنوان «اقلیت های ملی و انتخابات شورای ملی (ولسی جرگه یا مجلس نمایندگان افغانستان)» در تار نمای ولونگه که به دفتر ریاست جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت خارجه و سایر مراجع در افغانستان ارسال گردیده است.

باید تذکر داد که در انتخابات ریاست جمهوری نیز رای دهی مردم ما به کاندیدان ریاست جمهوری براساس **علاقه مندی روشنفکران شان به کاندیدان** صورت گرفت. نه چیز دیگری. آیا این **نفرت مردم** از روشنفکران شان است یا **حمایت شان**؟ باید دید باید تحلیل کرد باید با عقل و منطق در مسایل به تفکر نشست.

8 - مطالب گوناگون نشر شده در تار نما های ولونگه **wlonga** کلمه شغنانی است نه کلمه وِرانگه **wrronga** پښتو، شغنان، شغپیدیا، ندای شغنان، پامیر زمین و سیمای شغنان را نا دیده گرفته و تذکر داده اید که: « **من تاکنون تمام چیزهای راکه درسایت هاخوانده ام بجز از خودستائی خویش تن ویاتعریف ازیکدیگر چیزی راموفق نشدم بخوانم** » برادر محترم آیا این جملات شما حقیقت دارند؟ آیا نوشته های گوناگون در ارتباط شخصیت های مختلف از جمله پیشوایان دینی، شعرا و معرفی شان نشر اشعار شان، ویا در ارتباط مسایل زراعتی، کلتوری، صحت عامه، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، زبان شغنانی، اقتصادی، اخبار شغنان عکس های مناظر و مسایل مربوط به موسیقی و غیره همه و همه هیچ است و شما همه چیز را **خود ستائی و تعریف ازیک دیگر دیده اید وخوانده اید** آیا این انصاف است؟ آیا جروبحث انتقادی وپیشنهادی شغنانی ها در ارتباط ایجاد الفبا که اشخاص مختلف در آن به خاطر تکمیل و ایجاد الفبای طرف قبول برای همه ابراز نظر نموده اند کار غلط و یا **خود ستائی** است؟ ما نباید چیزی که به میل و تفکر ما نباشد غلط تلقی و بر ضد آن هیا هوی بی جایی را براه به اندازیم. طور مثال محترم حسنیار طرح الفبا را به شکل سریلیک و من پیشنهاد حروف لاتین را دوبار در نوشته های خود نمودم ولی طوریکه دیدیم اکثریت که ابراز نظر میکردند در زمینه سکوت اختیار کردند خود به خود موضوع حل بود که مورد تأیید نیست. من و محترم حسنیار کدام مشکلی در زمینه نداریم. ویا رد و تایید نظریات در جریان نوشته ها همه را خود ستایی دیده اید؟

9 - هر گاه در جرو بحث اکمال الفبا از کار کرد های عده ی یاد آوری شده کاملاً طبیعی بوده است. زیرا هنگامیکه وزارت معارف اعلان روی دست گرفتن سائر لسان ها را در پلان کار خود ارائه نموده اشخاصیکه جهت انجام این کار مراجعه کرده اند، از نقطه ی صفری کار را آغاز نموده اند. و توانستند یک چیزی را عرضه کنند، آیا این کار بد بوده است؟ به عقیده ی من کار بسیار مهم و ارزشمندی را انجام دادند و قابل قدر است. هر

گاه در این ارتباط از محترم داکتر پامیر زاد ، محترم معاون سر محقق حیدری ، پژوهشگر خوب محترم علی شاه صبار ، محترم بیکزاد ، محترم حفیظ الله میهندوست ، محترم سلیمی و دیگران به نیکوئی یادکرده اند این موضوع چه بدی دارد؟ ویا در مرحله بعدی که عده ی از روشنفکران ما ضرورت یک سلسله اصلاحات را در الفبای کار گرفته شده ، دانستند و آغاز به کار کردند ، که جروبحث نوشتاری بسیار خوب و منطبق بر موازین علم صورت گرفت و شما هم مطالب را مطالعه نموده اید. البته در این جریان هم نام عده ی در نوشته ها تذکر رفته و از عمل کرد شان در ارتباط مطالب مختلف به نیکوئی و هم انتقادی یاد آوری گردیده است. اگر این کار بد است که در آینده فرزندان شغنان اعم از دختران و پسران به لسان خود هم بخوانند و هم نوشته کنند. این قضاوت را میگذاریم به مردم .

همدیار عزیز! هر گاه نویسندگان اسمای شعرا ، پژوهشگران ، تحصیل کردگان ، و نویسندگان شغنان را در نبشته ها و مطالب خود به نیکوئی یاد آور شوند این چه گناهی است ؟ و این اشخاص زحمت کشیده و در ارتباط زادگاه شان بر طبق توان خود مطالب قابل قدری را ارائه داشته اند. و همه ی ما بایبست در غنا مندی آن سهم خود را ادا کنیم. از آنجمله خواهران بسیار خوب و قابل تحسین ما سوریا صبار که باید مورد تشویق و قدردانی قرار بگیرد. یا خواهر ما اقلما که با افتخار کاندید مجلس نمایندگان افغانستان (ولسی جرگه) بودند . البته استند خواهران خوب و با استعداد دیگر ما که متا سفانه بنا بر نداشتن دسترسی به انتر نت ما از آنها تا جائی معلومات در دست نداریم. ویا دوستان محترم ظهوری این شاعر گرانقدر که افتخار همه ما است، محترم نصر الدین پیکار ، محترم قوت نیرو، محترم حسینی حسنیار ، محترم منوربیک روشن ، محترم عبدالکریم نوجو ، محترم علی بیک سالک ، محترم نور علی دوست ، محترم انجنیر نور علی ، محترم نوروز علی ثابتی ، محترم بخت بیک میر زاده ، محترم امان الدین روشن ، محترم نازنین جاهد ، محترم میرزا محمد اسعد ، محترم قاضی اثر ، محترم داکتر دولت بیک ، محترم استاد گل محمد واقفی ، محترم معظم شاه روستا ، محترم ملک حسین حسینی ، محترم انجنیرجعفر لعلی ، محترم ایلچی بیک حرکت ، محترم باز محمد انوری ، محترم فتح علیشاه هادی محترم داکتر قربان خان آتش ، محترم داکتر عطا محمد ، محترم داکتر سید شاه فقیر پامیری ، محترم داکتر ناصر بیک ، محترم داکتر رحیم راشد ، محترم قبال حسام ، محترم فرخ هادی ، محترم توریالی رها ، محترم نظام الدین نظری ، و سایر دوستان که هر کدام یا با اشعار خود ویا با مطالب معلوماتی و علمی خود برای شغنان زحمت کشیده اند و هریک قابل قدر اند. به خصوص از اشعار محترم مذهب شاه ظهوری و منور بیک روشن ویا نصر الدین پیکار و حسینی حسنیار که بیشترین نوشته ها را با مطالب مختلف و آموزنده عرضه نموده اند باید یاد آوری نمود. هر گاه در نوشته ها نام من اسرار و نام شما ؟؟؟؟؟ در جمله ایجاد گران کتابهای درسی یاد نشده نباید ما

مشتمل شویم و کار دیگران را به هیچ بشماریم. ولی ممکن اسم شما هم در جمله ی نام های فوق الذکر باشد. البته ما شخصیت های خوب و با استعداد دیگری هم داریم که با تأسف بنا بر شرایط و مشکلات تخنیکی و به خصوص کمپیوتری و غیره از آنها نوشته ها و مطالب را در اختیار نداریم و یا داشته باشیم و یا اینکه من نتوانسته ام بنا بر نداشتن معلومات خوداز آنها نام ببرم قلباً از آنها معذرت میخوام.

در ارتباط نویسندگان جوان شغنان که تعداد شان زیاد است و افتخار همه ما و شغنان ما استند. از جمله طور مثال محترم نوروز علی ثابتی ، محترم توریالی رها ، محترم فرخ هادی ، محترم قبال حسام و عده ی دیگر که واقعاً جوانان با استعداد و پر تلاشی اند و باید مورد تشویق قرار گیرند و از هر نوع کمک باید مستفید شوند. تا جائیکه دیده میشود هر کدام این دوستان جوان ما به شیوه های خاص و ظرافت ادبی مطالب را در قالب آن طرح ریزی میکنند. از جمله زحمات و کار محترم ثابتی در قسمت لسان شغنانی و ادبیات قابل دقت است. بنا هر گاه از این جوانان یاد آوری شود کدام گناهی نخواهد بود. علاوه بر تذکر باید بدهم که من با این جوانان شناخت شخصی ندارم ولی محتوای نوشته های شان برایم دلچسپ و تبارز دهنده ی دانش و ذکاوت خوب و استعداد شان می باشد که من با قدر دانی از آنها یاد نموده ام.

10 - در ارتباط لست یا شهرت اشخاصی که بعد از وقوع یک حادثه یا عمل ضد دولتی گرفتار شده اند یا در یک کشور گرفتار میشوند منابع مختلف رول خود را بازی میکنند. و طور خلاصه ذیلاً از چند مرجع آن تذکر بعمل می آورم.:

- 1- دستگیری مستقیم اشخاص از جریان وقوع یک حادثه یا عمل ضد دولتی .
- 2- ارائه شهرت دیگران توسط همین اشخاص دستگیر شده از حادثه در جریان تحقیق که تا جائی مهم ترین فکتور را بعد از مواد شماره یک تشکیل میدهد.
- 3- اسناد ثبت شده و بایگانی استخبارات دولت در ارتباط اتباع یا شهر وندان کشور.
- 4- ارائه معلومات در ارتباط افراد و اشخاص توسط سائر اتباع یا شهروندان اعم از طرفداران و مخالفین دولت و سائیرین.
- 5- ارائه معلومات توسط سائر منابع داخلی و خارجی.

در این جا میخوام از یک مثال طور نمونه و آن هم گرفتاری یکی از شخصیت های برجسته و شناخته شده ی افغانستان یک تن از جمله سه چهار نفر پیشگام و مؤسسان فعال و پر تلاش نهضت مترقی کشور محمد طاهر بدخشی تذکر بدهم. شخصی که در زمان گرفتاری اش عضویت هیچ حزب و سازمانی را نداشته است. و از سازمانی که خودش بنیان گذاری نموده بود اخراج شده است. بنا قبل از آنکه گرفتاری وی را ذکر کنم بهتر

است این موضوع که چگونه عضویت هیچ سازمان را نداشته است توضیح باید داده شود. زیرا موصوف رهبر سازمان محفل انتظار بود.

موضوع چنین است که بعد از تحول یا قیام یا انقلاب یا کودتا یا اغتشاش یا هر آنچه که برای آن تغییر دولتی ثور برای هر کس خوش آیند است نام گذاری کند. مرحوم محمد طاهر بدخشی در وزارت معارف به صفت رئیس عمومی تألیف و ترجمه مقرر میگردد. و از نوشته های محترم دستگیر پنجشیری همه مطلع اند که موصوف کاندید وزارت امور مالیات ها نیز بوده است.

در سال 1357 به اساس پروگرام قبل از تحول ثور من کاندید یک پروگرام فیلو شپ کشور جاپان بودم. هنگامیکه از کندهار به کابل آمدم و آمادگی ترتیب و تکمیل نمودن اسناد سفر خود بودم. به پاس ادای حرمت و احترام طبق گذشته نزد مرحوم بدخشی رفتم که رئیس تألیف و ترجمه بودند. البته مسئله سیاست و موضع گیری مختلف جای خود را داشت و دوستی شخصی جای خود را. در جریان صحبت هاز مسایل مختلف و به اصطلاح از هر چمن سمنی صحبت نمودیم. مرحوم بدخشی در صحبت های خود از نهضت روشنفکری افغانستان حرف زد، از دموکراتیک خلق حرف زد، از انقلاب ثور حرف زد، او پیرامون مسایل جهانی حرف زد، روی انقلاب فرهنگی در جهان حرف زد، روی پیشبرد انقلاب با دکتاتوری ان در جهان حرف زد. و از ... یاران خود حرف زد. در این جریان مرحوم بدخشی از یک موضوع غیر قابل باورکردنی یاد اور شد و اظهار نمود که رفقای ما (محفل انتظار) تصمیم گرفته اند و مرا از سازمان اخراج نموده اند. شنیدن چنین حرفی برایم غیر مترقبه بود. و طرح پرسش نیز غیر عقلانی به نظر نمی خورد. من در فکر افتادم و گفتم بدخشی صاحب یعنی چه؟ مرحوم بدخشی چنین شرح داد رفقا در قسمت منطقه ی سرای غزنی در خانه ی... نشستی انجام داده اند و به جرم، یکم: همکاری با دولت دموکراتیک خلق و دوم: همکاری با رویونیسم شوروی مرا از رهبری حزب بر طرف و محمد رفیع را به صفت رهبر مؤقت سازمان انتخاب کرده اند. البته عضویت مرا در سازمان به یک میعاد معین (ضرب الاجل) در صورتیکه وظیفه را ترک نکنم از سازمان اتوماتیک خارج می شوم. و توسط ... برایم اطلاع دادند. میعاد آن ختم شده و من از کار خود استعفی ندادم بنا از سازمان خارج شده ام.

مرحوم بدخشی در ضمن صحبت های خود در ارتباط همچو حرکات ما چرا جویانه یاد آور شد که یک تعداد محدود ... با استفاده از احساسات پاک رفقا استفاده میکنند و ترس من این است که این حرکات جوانان خوب و با استعداد ما را در برابر تیغ دوسر و شعله های سرکش آتش قیام انقلابی ثور قرار داده نابود خواهد کرد. و به خودشان هیچ صدمه ی

نخواهد رسید. و حفیظ الله امین را هم ما و شما خوب می شناسیم. به هر صورت من بعد این صحبت ها با مرحوم بدخشی وداع نمودم و رفتم.

سالیان خونین و پر از حوادث هم در افغانستان سپری شدند . من هم از افغانستان به آلمان آمدم.

هنگامیکه به آلمان آمدم بعد از مدتی در دنیای پر تلاطم مهاجرت با محترم محبوب الله کوشانی هم به آلمان پناهنده شده بود تماس برقرار نمودم. پیرامون مسایل مختلف به بحث می نشستیم . روزی از او موضوع را پرسیدم که چگونگی اخراج بدخشی از سازمان چگونه بوده است. محترم کوشانی هم موضوع را تأیید نمودند. به عین شکل با اضافه این کلمه که : **او اگر شرایط سازمان را می پذیرفت ، سازمان شرایط بیرون رفتن او را از افغانستان مساعد می ساخت .** از اینکه بدخشی وظیفه را ترک نکرد فیصله تطبیق شد.

البته با آغاز همکاری مرحوم بدخشی با دولت دموکراتیک خلق افغانستان منابع مختلف در صدد آن شدند که بدخشی را باید از صحنه دور کنند زیرا مرحوم بدخشی هیچ نوع ارتباط استخباراتی و پیوند ... با هیچ مرجع و هیچ کشوری نداشت.

به هر صورت بر میگردیم به اصل موضوع ، نشست ها و دیدو باز دید ها با مرحوم بدخشی توسط عده ی از عناصر داخلی و استخبارات کی گی بی صورت میگیرد ولی نتیجه مطلوب را به خاطر رسیدن به اهداف خود بدست نمی آورند. در آخرین تحلیل با استفاده از کار استخباراتی توسط یکی از مسئولین استخباراتی خود برای محترم سلطان علی کشتمند که در موضوع کودتا علیه دولت دموکراتیک خلق افغانستان در زندان و تحت تحقیق قرار داشت مشوره میدهند که این بار در برابر سوال استخبارات از سهم داشتن محمد طاهر بدخشی ، جنرال شاه پور احمد زی لوی درستیز، زمان جمهوری محمد داود البته نامبرده هم یک تن از شخصیت های ملی بود و... را در کودتا تذکر بدهد و طرف دیگر همین ارگان استخباراتی که تمام صلاحیت و هدایت و بکن و نکن به اختیارشان بود برای افراد موظف تحقیق مشوره میدهند که از محبوسین کودتا بپرسند که کدام اشخاص دیگر در کودتا سهم داشته اند. همان است که محترم سلطان علی کشتمند در برابر استعلام جواب میدهد که محمد طاهر بدخشی ، شاه پور احمد زی و... در کودتا با ایشان سهم داشته اند.

به اساس همین استعلام محمد طاهر بدخشی دستگیر میشود و به زندان میرود. بعد از کسب اطلاع این موضوع عده ی از محترم نور محمد تره کی می پرسند که موضوع از چه قرار است تر کی جواب میدهد که خبر ندارد و از حفیظ الله امین موضوع را جویای مطلب میگردد. امین هم اظهار بی خبری میکند. (الغیب و عند الله) و بعداً موضوع را

از اداره ی استخبارات طالب معلومات میشوند و استعمال برایشان ارائه میگردد. البته موضوع استعمال را محترم دستگیر پنجشیری تأئید نموده است. این است یکی از موضوعات مبهم و پیچیده ی مسایل در افغانستان. آیا سخنان مرحوم بدخشی که در فوق زیر آن خط کشیده شده به حقیقت پیوسته است یا خیر؟ و این حرکات جوانان خوب و با استعداد را نا بود کرده یا چطور؟

علاوآ باید تذکر داده شود که لست ها به همین ترتیب در جریان تحقیق راست و غلط از اشخاص و افراد مختلف باز داشت شده بدست آمده اند و منابع ان هم مختلف است. چنانچه محترم کریم شاه میر و محترم قیام الدین پهلوان سربا نام برده اند که به تحریک چه کسی کدام اشخاص نام اشخاص دیگر را داده اند مراجعه شود به سایت های انتر نتی به نوشته های این دو نفر و هم سایر نویسندگان. دلچسپ اینست که قرار اطلاعات که وجود دارد بعضاً از این اشخاص نام های کسانی را ارائه کرده اند که آنها هیچ ارتباطی با سازمانها نداشته اند و یا قبلاً فوت نموده اند. طور مثال عبد الله بیک شخصیت با رسوخی از درواز که میگویند در همان زمان زنده نبوده است. ویا نام های وکیل قربانجان ، حاجی سید اسلم ، حاجی چقان بای و... از شغنان زیرا برای این اشخاص گفته شده بود که اسمای اشخاص با رسوخ را شریک بسازید و آنها نام هایی را قبلاً شنیده بودند در تحقیق ارائه نمودند بدون آنکه بدانند آنها زنده اند یا خیر؟ اینست واقعیت لست ها که شما بر همدیاریان خود آن را ارتباط میدید.

اکنون شما خود قضاوت کنید که آیا نوشته شما «...اگر مالست شان را ارائه و خواستار نابودی آنها نمیگردیدیم...» بیشتر چه مفهوم دارد؟

و یا در جایی هم مینویسید که « . نتیجه گیری "اسرار" صاحب از عاملین شهادت "درویشی" کتمان حقیقت و دور از انصاف و عدالت است »
برادر محترم من تا همین لحظه هم کدام اطلاعی ندارم که چه کسی این کار را انجام داده است و در جریان این ماجرا ها در خارج از کشور بودم و متعاقباً هم کار من همیشه در غرب افغانستان بود تا از اشخاص مشخصی که در حوادث شغنان دست داشته اند میدانستم و نام میبردم و اکنون هم تمام حوادث و موضوعات و خوبی ها و خرابی ها را در همین فور مول بندی خود می بینم. اینکه چه اندازه در زمینه از تحقیقات استفاده شده و چه اندازه دیکته های استخباراتی و اجنت های مربوط شان بشمول دوستان گرفتار شدگان و چه اندازه به زعم شما !!! شغنانی ها سهم داشته اند باز هم موضوع است جداگانه. اگر شما اطلاع دارید و سند دارید جرعت تام و با شهامت میتوانید با ذکر هویت خود این کار را انجام دهید. البته نه به شکل اقتباس نادرستی که از نوشته ی من نموده اید.
دوست نهایت عزیز! قراریکه من شنیده ام اکثر لست ها توسط عناصر وابسته به استخبارات بیرونی در سطوح بلند از دوستان خود شان در جریان تحقیق به مشوره مربی هایشان جهت اهداف مشخص بعدی ارائه شده اند. چنانچه در ارتباط مرحوم بدخشی شده است. ویا نوشته های کریم شاه میر و قیام الدین پهلوان در زمینه راهه کنندگان و هدایت

دهندگان واضح نام برده اند. اینست نقش سناریوی دستگاه استخباراتی ک گ ب به
خاطرجا بجا کردن موره های شان و رسیدن به اهدافشان.

دوست نهایت محترم! من وکیل مدافع کسی نیستم و نمی خواهم از اعمال فردی کسی دفاع
نمایم من در حالیکه از عمل شخصی هیچ کسی دفاع نمی کنم در ارتباط نوشته وبر
داشت شما از لست ها را به هیچوجه درست نمی بینم .

همدیار عزیز! چیزی مکتوم پی در قبال روشنفکران و تحصیل کرده گان شغنان ندارم ، و
به حکم وجدان هیچ شیء را هم تحریف ننمودم .

و اشخاص مورد نظر شما انسانهای فهمیده ودانشمند اند نه ما چرا جو آنچه که شما در
تخیل خود می پرورانید. سرابی است در زیر آفتاب سوزان برای نسل آینده که از دور
قضاوت شده است. حقیقت چیزی است که در فوق تذکر داده شد. البته در جریان کار
وپیشبرد امور دولتی در همچو سطوح پایین اشتباهاتی صورت میگیرد و اشتباه ه در
پروسه کار هر نوع کاریکه باشد حتمی صورت میگیرد. فاقد اشتباه صرفاً ذات خداوند
است وبس. ولی به این شدو مد متهم ساختن بدون کدام سند به عقیده ی من کار معقول
نیست.

تاریخ به هیچ کسی رحم نمی کند. تاریخ بیان واقیعت هاست ، تاریخ شرح حوادث و رویداد
ها بصورت واقعی وصادقانه آنست. تاریخ شبنامه سازی نیست ، تاریخ خیال پردازی
نیست تاریخ افسانه نیست، تاریخ شاید وممکن واگر مگر نیست ، تاریخ تخیل وخرافات
نیست.

برادر محترم اکنون شما خود قضاوت کنید وصادقانه می بینید که نوشته های من نه
کتمان حقیقت است و نه دور از انصاف و عدالت

و نه « چشم پوشی و کتمان حقیقت و دادن معلومات تحریف شده به نسل های آینده »

دوست عزیز! این یک حقیقت مسلم است که تعدادی از هم دیاران ما به شکلی از اشکال
به شهادت رسیده اند ودر جائی به شکل دسته جمعی یا انفرادی دفن گردیده اند در هر
منطقه ی که از بین رفته اند در مربوطات همان منطقه زیر خاک شده اند . در ارتباط
کور دسته جمعی دشت قرغ که شما تذکر داده اید یک نظر است بدون دلیل و برهان زیرا
در این گور دسته جمعی شش نفر بوده وهمه تشخیص شده بودند که از ولسوالی جرم
بوده اند. حتی در سالهای بعد خروج روس ها کشته شده اند. مراجعه شود به اخبار
مورخ 10:48 گرینوویچ -یکشنبه 19 فوریه 2006 بی بی سی. بنا هر گاه دولت محمد
جوشن در زمینه چیزی نوشته باشد طبیعی خواهد بود. ولی باید تذکر داد که ممکن گور
های هم دیاران ما روزی پیدا شود ویا هم هیچ گاهی پیدا نشود.

هم دیار عزیز ! شما خوب میدانید که مباحث تاریخی و جدلی در باب هر شیء ، مبانی و
الزامات خود را دارد . ودر صورت فقدان آن الزامات ، غالباً بحث به بیراهه میرود . و
گاه جدل های بیهوده و حتی زیان آوری در پی می آورد . و در نهایت دعاوی درست و
رای صائب نویسنده را تحت شعاع جدل های لفظی و انحرافی قرار میدهد . و گاه
حقیقت در گردو غبار بر خاسته از جهل و غرض ورزی گم میشود . ما باید راه را

برای نسل جوان و نسل های آینده شغنان هموار و صاف بسازیم ، نه اینکه نا هموار و پر از خار بسازیم.

برادر محترم ! در همچو شرایطی که آزادی مطبوعات وجود دارد و به عقیده ی من هیچ شغنانی نخواهد بود که هویت خود را پنهان کند ضرورت این چیست که از یک تار نمای برقی نا معلوم با هویت نا معلوم بر سائر وطنداران خود حمله ور شویم . چنانچه شما خودنوشته اید که « **تقریباً 90% مردم بصورت مکمل یکدیگر خود را بصورت درست می شناسند و ارتباط خونی دارند.** » بناً شما و من آزادانه میتوانیم در ارتباط تمام مسایل با نظر همسویی و یا انتقادی با هم به صحبت به نشینیم . من جمله در ارتباط کدر علمی و یا درجه تحصیلی دوستان شغنانی خود همچو مطالب را بنویسیم و از آنها بپرسیم که آیا چنین درجه علمی و تحصیلی را از کجا گرفته اند. و با افتخار نام خود را در آن درج نمایم در صورتیکه برای ما معلوم نباشد. در غیر آن تذکر کلمات و نوشته های که منعکس کننده ی عقده های شخصی مانند فکر میکنم نادرست است. و نقش خوبی را بازی نمی کنیم. زیرا هنوز جامعه ما آمادگی همچو موضوعات را ندارد که یک اکادمیسن واقعی یا غیر واقعی بر کسانیکه القاب تحصیلی یا کدر علمی دارند با تمسخر بر خورد نماید.

بیا ئید صادقانه ببینیم شهرت اشخاص مختلف قبلاً نشر شده است و کدام اساسیت در زمینه بروز نکرده است ولی هنگامیکه در ارتباط استاد امیربیک جوان این شخصیت شناخته شده ی جامعه روشنفکری نه تنها شغنان بلکه در سطح کشور نوشته را می خوانید احساسات ، عقده و یا ... خود را دیگر اداره کرده نمی توانید آیا این کار معقول است. چرا قبلاً این کار را انجام ندادید. و شما میتوانستید به عوض دادو وا ویلا در جنب آن راجع به استاد جوان چیزی را بنویسید چنانچه در ارتباط مرحوم سید زمان الدین عدیم تنی چند از دوستان این کار را انجام داده اند . و یا شخص دیگر را که به تب دل شما بود معرفی میکردید. این کلمات جز شعله ور ساختن عقده های کور کورانه روشنفکری هیچ دردی را دوا نمی سازند. به خصوص اینکه منبع آن معلوم نیست و نویسنده ی آن در پرده ی پندار. و چنان میماند که از کش مکش آن لذت برده کمی عقده های خود را انسان فروکش نماید.

باید یاد آور شوم که آنچه که در ارتباط استاد امیربیک جوان توسط محترم پیکار در ارتباط مرحوم سید فتح علی شاه توسط محترم حسنیار در ارتباط خلیفه مسکین شاه توسط محترم روشن در ارتباط ملا لاجین توسط محترم ثابتی در ارتباط استاد درویشی توسط اسرار و سائرین نگاشته شده به هیچ وجه بسنده نیست و آنها شایستگی بیشتر را دارند و در جنب آنها باید سوانح دیگران نیز ترتیب و نشر شود. و شما هم میتوانید دین خود را در این زمینه ادا نمائید.

دوست عزیز و محترم ! گاه گاهی در یک حرکت و یا عمل چه گفتاری باشد و چه نوشتاری اگر نیت بد و خراب هم در آن نهفته نباشد به یک ماجرا و خرابی منجر میگردد. ممکن نیت شما هم بد نباشد ولی طرز ارائه آن کاملاً نادرست است. و از جانبی هم با در نظر داشت اینکه از یک موضع **پنهانی و مجهول الهویه** بروز میکند نتایج آن را خوب پیش بینی نمی توانم بکنم.

همدیار محترم! مسئله دیگری که باید تذکر بدهم نوشته شما در ارتباط یادی از استاد محمد اکرم «درویشی» را آغاز کار خوبی تذکر داده اید هر گاه سیمای شغنان را مطالعه نموده باشید در نخستین نوشته هایم به پاس حرمت به شهدا پیشنهادی را ارائه نموده بودم

متعاقب آن در آغاز نوشته ی یادی از استاد محمد اکرم «درویشی» یکبار دیگر چنین پیشنهادی را تکرار نمودم مراجعه شود به نشرات سیمای شغنان. البته تار نمای سیمای شغنان هم با علاقه مندی فراوان و حرمت به شهدا و معلولین این نظریات را با جدول های خوب در سیمای شغنان قرار داده تا همه شهدا و معلولین ثبت و سوانح شان نشر شود. باسپاس فراوان از دوست محترم ما سرور ارکان. شما میتوانید جدول های فوق الذکر را مطالعه و در اکمال آن سهم خود را ادا نمائید.

با جهانی از سپاس از لطف شما که این نوشته کوتاه **را آغاز کار خوبی** تذکر داده اید ولی باید خاطر نشان ساخت که در قسمت معرفی شخصیت های بزرگوار و خوب شغنان **قبل از نوشته های من** در سیمای شغنان، ولونگه wlonga و سایر تارنما ها دوستان دیگری در حد خود تعدادی را معرفی کرده و این پروسه فکر میکنم جریان دارد. چه این شخصیت ها فوت نموده اند و چه بعضی ها زنده اند و یا عده ی در تلاطم روزگار و یابیداد زمان از بین برده شده و یا از بین رفته اند.

طور مثال معرفی سید زمان الدین عظیم ، سید فتح علیشاه ، سید خلیفه مسکین شاه ، سید محمد علیشاه ، شاه ضیاء ضیایی ، مسلم شغنانی ، ملک حسین حسینی ، امیربیک جوان ، گل محمد واقفی و سائرین که توسط دوستان هر یک محترم حسینی حسنیار ، محترم منوربیک روشن محترم نصرالدین پیکار ، محترم قبال حسام ، محترم نوروز علی ثابتی و دیگران نگاشته شده است البته من اسم چندتن را ذکر نمودم شما میتوانید در سیمای شغنان همه را مرور و مطالعه نمائید. اینکه من و یا شما و یا یک دوست دیگر با یکی از این اشخاص کدام اساسیت داریم این مطلب را نمی دانم چه نام برایش بگذارم. شما هم میتوانید سوانح شخصیت ها و شهدای شغنان را به نگارش بگیرید و به نشر بسپارید.

دوست نهایت خوب! من در زندگی با هیچ فرد هم دیار خود و حتی بیرون از آن هم کدام مشکلی نداشته ام صرف نظر از داشتن مواضع مختلف سیاسی که **سالها قبل وجود داشت** . اکنون هم هدف معارضه را با هیچ فردی بشمول گرداننده و نویسنده محترم تار نمای برقی فوق الذکر ندارم ، و معتقد استم که شما هم با من کدام مشکلی ندارید. و ممکن پیوند و قرابت هم داشته باشیم.

من معتقدم که من ، شما و تمام روشنفکران شغنانی ما هیچ نوع جدلی را در باب اندیشه های جادویی که تراوش تخیلات ذهنی اند از هر مرجع و مکانی که باشند با کسی نداریم . از نظر من هر شیء که به هر نحوی با روح شیطانی در تماس بوده ، برای همیشه آلوده شناخته میشود. و باید به دور انداخته شود و از خاطره ها محو گردد . زیرا به جز نفاق و در نهایت پیامد های جبران نا پذیر چیز دیگر را پیشکش نمی کند.

اما در رقم زدن گذشته باید حقیقت بر ملا شود؛ از واقعیت عریان زندگی و تاریخ هیچ کس چشم پوشی کرده نمیتواند. باید مستند و متکی بر علم و دانش و منطق قلم زده شود. نه آنکه تاریخ را باشنیدگی های خود از اشخاص مغرض و ... خلاف واقعیت درج نمود.

در ارتباط بعضی مطالب دیگر که در بین قوس آن را گرفته و بنام من آن را تقدیم نموده اید از اینکه جزء نوشته های من نمی باشند ضرورت یاد آوری از آن را نمی بینم.

بالا تر از این شما مخیر استید. گر چه نوشتن پیرامون مطالبی که معلوم نیست از کدام مرجع و به کدام هدف انعکاس می یابند نا درست است ولی صرفاً به منظور شغنائی بودن شکل مشورتی مطالب فوق را نوشتنم نه کدام هدف دیگر.

راه انسانیت از کینه و تبعیض جداست شخص بایست که خوش نیت و خوش خو باشد
هر که آکنده شد از صلح و صفا آرام است طبل خالی است که دارای هیا هو باشد

همتی

در فرجام باز هم پیشنهاد من این است که باید روشنفکران شغنان با در نظر داشت شرایط کنونی جهان، افغانستان و شغنان با هم به پیوندند و در یک حلقه قابل قبول دست بدست هم بدهند. مهم نیست که این روشنفکران عضویت یکی از حلقات، سازمان ها و جزایری که جدیداً از تجزیه ی ساختارهای سیاسی گذشته ایجاد شده اند را دارند یا داشته باشند و ندارند یا نداشته باشند. این حلقه میتواند تحت نام انجمن، اتحادیه، کمیته یا هر نام دیگری که لازم باشد برای تجمع، وحدت و کار مؤثر به وجود بیاید. همه موضوعات با شفافیت و همسویی مطرح بحث قرار گیرد. تا مشکلات حل گردد. علاوه بر این حلقه به تدریج نقطه و مرکز روابط با سایر مناطق و ولسوالی ها و مرکز ولایت و سایر روشنفکران افغانستان باشد. چنانچه محترم عبد الکریم نوجو نیز قبلاً در این زمینه پیشنهاد خوبی را ارائه داشته اند. و تعدادی از روشنفکران آن را مورد تأیید قرار دادند که در تار نمای سیمای شغنان نیز نشر شده است. در غیر آن مشکلات همیشه وجود داشته و روز افزون خواهد گشت طور مثال در صورت عدم تغییر قانون انتخابات شغنان هیچگاهی در مجلس نمایندگان نماینده نخواهد داشت و در صورت نبود ویا عدم تطبیق قانون ارگانهای محلی قدرت و اداره ی دولتی چنین وضع که وجود دارد به شکل بیشتر آن دوام خواهد داشت و دوام خواهد کرد.

به خاطر تسریع پروسه در شغنان که مرکز اصلی و اساسی است باید در زمینه راه ها و طرق آن جستجو شود که چگونه میتوان این حلقه را ایجاد کرد و هم در مرکز کشور کابل باید این حلقه بوجود بیاید. در خارج از کشور از اینکه در کانادا بعد از داخل کشور تعداد زیادی از روشنفکران بسیار خوب ما جمع شده اند باید این حلقه ایجاد شود. البته ما تعداد کمی که در اروپا قرار داریم جزء شما خواهیم بود